

اسناد رسمی و عادی چه تفاوتی با هم دارند؟

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، «آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون» است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع «سند رسمی و سند عادی» را بررسی کنیم.

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، «آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون» است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع «سند رسمی و سند عادی» را بررسی کنیم.

سند از جمله مهمترین ادله اثبات دعوی در امور مدنی محسوب می شود. ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی در تعریف سند بیان می کند: «سند عبارت است از هر نوشته ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.» بنابراین طبق این تعریف، دو عنصر «نوشته بودن» و «قابل استناد بودن در مقام دعوی و دفاع» از ارکان متشکله سند محسوب می شود.

ماده ۱۲۸۶ قانون مدنی سند را به دو دسته عادی و رسمی تقسیم می کند و حسب موضوع، این اسناد از اعتبار متفاوت برخوردارند. طبق ماده ۱۲۸۷ این قانون، «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأموران رسمی در حدود صلاحیت آنها بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند، رسمی است.»

اسناد رسمی

سند رسمی توسط مأمور رسمی در حدود صلاحیت در تنظیم سند و با رعایت مقررات قانونی تنظیم می شود که با حصول رعایت این ۳ شرط که از ارکان متشکله سند رسمی است، قانونگذار اعتبار خاصی برای آن قائل شده و انکار یا تردید را علیه آن مسموع ندانسته است و اصل صحت را بر آن لازم الاتباع می داند. مگر آنکه علیه آن ادعای جعل شود. طبق ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی، اسناد عادی در دو مورد اعتبار سند رسمی را دارند: طرفی که سند علیه او اقامه شده است، صدور آن از منتسب و الیه را تصدیق کند و نیز در محکمه ثابت شود که طرفی که سند را تکذیب کرده، در واقع مهر یا امضا کرده است.

به گزارش میزان، طبق ماده ۷۰ قانون ثبت اسناد و املاک، سندی که مطابق قانون به ثبت رسیده باشد، رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرج در آن معتبر خواهد بود؛ مگر آن که جعلیت آن ثابت شود. بنابراین تنها با اقامه دلیل می توان علیه سند رسمی ادعای جعل کرد و انکار و تردید نسبت به آن پذیرفته نخواهد بود. ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی می گوید: ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک ارایه شده باید برابر ماده ۲۱۷ این قانون با ذکر دلیل اقامه شود، مگر اینکه دلیل ادعای جعلیت بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رای یافت شده باشد، در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی دهد.

همچنین بر اساس ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، اظهار تردید یا انکار نسبت به دلایل و اسناد ارایه شده حتی الامکان باید تا نخستین جلسه دادرسی به عمل آید و چنانچه در جلسه دادرسی منکر شود یا نسبت به صحت و سقم آن سکوت کند، حسب مورد آثار انکار و سکوت بر او مترتب خواهد شد. در مواردی که رای دادگاه بدون دفاع خوانده صادر می شود، خوانده ضمن واخواهی از آن، انکار یا تردید خود را به دادگاه اعلام می دهد. نسبت به مدارکی که در مرحله واخواهی مورد استناد واقع می شود، نیز اظهار تردید یا انکار باید تا نخستین جلسه دادرسی به عمل آید.

اسناد عادی

امضا مهمترین رکن سند عادی است، اسناد عادی هیچ یک از ارکان سند رسمی را ندارد و تنها رکن سند عادی، امضای منتسب و الیه است. بنابراین طرف می تواند در مقابل ارایه سند عادی سکوت کند یا اصالت آن را بپذیرد یا

می‌تواند خط، امضا، مهر یا اثر انگشت منتسب به خود را انکار یا نسبت به آن تردید کند. (۲۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی)

مندرجات هر سند اعم از رسمی و عادی علیه اشخاصی که آن را امضا کرده‌اند و نیز قائم‌مقام قانونی آنها معتبر است و علی‌القاعده نمی‌توان آن را به اشخاص ثالث تحمیل کرد اما به موجب ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی، اعتبار اسناد رسمی نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد. بنابراین مفاد اسناد رسمی را چنانچه در قانون تصریح شده باشد، می‌توان به اشخاص ثالث تحمیل کرد مثل معاملات راجع به اموال غیر منقول.

مهمترین تفاوت اسناد عادی و رسمی قواعد حاکم بر تعرض و پذیرش است. بدین معنا که اولاً تعرض و پذیرش اسناد عادی عام و فراگیر است و برای دفاع در مقابل اسناد عادی می‌توان از انواع تعرض اعم از جعل، انکار و تردید استفاده کرد. ثانیاً تکرار تعرض به سند عادی امکان‌پذیر است.

رسیدگی به اصالت اسناد

دادگاه زمانی رسیدگی به اصالت سند را آغاز می‌کند که اولاً نسبت به اصالت آن تعرض شده باشد. ثانیاً این تعرض با عنوان متناسب قانونی (جعل، انکار و تردید) نسبت به سند و ثالثاً، در زمان مقرر قانونی به عمل آمده باشد. طبق مفاد مواد ۲۱۷ و ۲۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی تعرض به اسناد (اظهار تردید، انکار و جعل) حتی‌الامکان باید تا نخستین جلسه دادرسی به عمل آید.

رسیدگی به تعرض و اصالت سند مستلزم شرایطی است؛ استنادکننده به آن بر استفاده از سند باقی باشد؛ استنادکننده، اصل آن را در موعد مقرر در دادگاه حاضر یا به دفتر تسلیم کند و نیز اینکه سند مورد تعارض، موثر در دعوی باشد.

وقتی دادگاه شروع به رسیدگی نسبت به اصالت سند می‌کند، فرض به این است که دادگاه با جمع آمدن همه شرایط، رسیدگی به اصالت را آغاز کرده است. به موجب ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان باید اصل اسناد که رونوشت آن را ضمیمه دادخواست کرده است و خوانده نیز اصل و رونوشت اسنادی را که می‌خواهد به آن استناد کند، در جلسه دادرسی حاضر کند. در غیر این صورت، اگر سند عادی باشد و مورد انکار و تردید قرار گیرد، اگر خوانده باشد از عداد دلایل او خارج می‌شود و اگر خواهان باشد در صورتی که دادخواست مستند به دلیل دیگری نباشد دادخواست ابطال می‌شود.

همچنین چنانچه سند رسمی باشد اگر نسبت به آن ادعای جعل شود طبق ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی، ادعای جعلیت و دلایل آن به طرف مقابل ابلاغ می‌شود و چنانچه به استفاده از سند باقی باشد موظف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، اصل سند مورد ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم کند. چنانچه صاحب سند در موعد مقرر از تسلیم اصل سند به دادگاه خودداری کند سند از عداد دلایل او خارج خواهد شد.

چگونگی رسیدگی در جلسه دادرسی

به اصالت سند در جلسه دادرسی رسیدگی می‌شود. به همین دلیل خواهان و خوانده مکلف شده‌اند تا اصل مستندات خود را برای ملاحظه طرف مقابل و شروع رسیدگی ارایه کنند. ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی نیز در این خصوص بیان می‌کند: رسیدگی به دلایل که صحت آن بین طرفین مورد اختلاف و موثر در تصمیم نهایی دادگاه باشد، در جلسه دادرسی به عمل می‌آید؛ مگر در مواردی که قانون طریق دیگری تعیین کرده باشد. این بدان معنا است که نمی‌توان در دفتر کار و شناسایی یا محل دیگری از انکارکننده استکتاب کرد.

راه‌های تشخیص اصالت اسناد توسط دادگاه

پس از انکار و تردید یا ادعای جعل نسبت به سند و ارایه اصول اسناد و صدور قرار رسیدگی به اصالت آن، دادگاه رسیدگی را برای تشخیص اصالت سند آغاز می‌کند که راه‌های رسیدگی به اصالت سند در مواد ۲۲۳، ۲۲۴ و ۲۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده است و در این خصوص تفاوتی بین نوع تعرض وجود ندارد.

تطبیق مفاد سند با اسناد و دلایل دیگر: برای تشخیص اصالت سند از این راه، به سند یا دلیل دیگری توجه

می‌&ZWNJ; شود که مفاد سند مورد تعرض را تایید می‌&ZWNJ; کند. بدین معنا که دادگاه می‌&ZWNJ; تواند عدم تعرض را با اسناد دیگری که آن را تایید می‌&ZWNJ; کند، مطابقت داده و نیز شکل امضای ذیل سند را با سند مورد تعرض انطباق دهد.

تحقیق از گواهان و مطلعان تنظیم سند یا مطلعان ذیل سند: دادگاه در این راه به شکل امضا یا مهر سند و مطابقت آن با امضا و مهر منتسب &ZWNJ; الیه توجه نمی‌&ZWNJ; کند بلکه به این موضوع توجه می‌&ZWNJ; کند که آیا گواهان شاهد و ناظر بر تنظیم سند و امضا یا مهر توسط منتسب &ZWNJ; الیه بوده &ZWNJ; اند یا خیر.

ارجاع امر به کار &ZWNJ; شناسی: دادگاه موظف است در صورت ضرورت با دقت در سند، تطبیق خط، امضا، اثر انگشت یا هر سند را به کار &ZWNJ; شناس رسمی یا اداره تشخیص هویت پلیس که مورد وثوق دادگاه باشد، ارجاع دهد. بدیهی است زمانی که ارجاع به کار &ZWNJ; شناس ضرورت پیدا می‌&ZWNJ; کند هرچند که تبعیت از آن اجباری نیست اما دادگاه باید اقدام خود را در رد نظر کار &ZWNJ; شناسی توجیه کند. در صورتی که نظر کار &ZWNJ; شناسی با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کار &ZWNJ; شناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد. بنابراین دادگاه نمی‌&ZWNJ; تواند بی &ZWNJ; دلیل نظر کار &ZWNJ; شناسی را نادیده بگیرد.

استکتاب: چنانچه سند یا خط یا امضای اطمینان &ZWNJ; بخشی از منکر در دسترس نباشد ماده ۲۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی به استنادکننده حق اختیار داده است که از او درخواست کتابت کند یعنی منکر را برای نوشتن یا امضا کردن سندی مشابه به دادگاه فرا خواند. بر این اساس، می‌&ZWNJ; توان کسی را که خط یا مهر یا امضا یا اثر انگشت منعکس در سند به او نسبت داده شده است اگر در حال حیات باشد برای استکتاب یا اخذ اثر انگشت یا تصدیق مهر دعوت کرد. عدم حضور یا امتناع او از کتابت یا زدن انگشت یا تصدیق مهر می‌&ZWNJ; تواند قرینه صحت سند تلقی شود.

مطابق ماده مذکور دو مورد می‌&ZWNJ; تواند با شرایطی قرینه صحت واقع شود. یکی آنکه منتسب &ZWNJ; الیه با وجود دعوت حاضر نشود که در این خصوص، مهم آن است که ابلاغ به طور صحیح واقع شده باشد و منتسب &ZWNJ; الیه خود از اصحاب دعوی باشد و مورد دوم اینکه شخص دعوت &ZWNJ; شونده از کتابت خودداری کند که در این خصوص نیز ضمانت اجرای ماده مذکور در صورتی قابل اعمال است که شخص دعوت &ZWNJ; شونده از اصحاب دعوی باشد.

تطبیق خط، امضا و... با اسناد مسلم &ZWNJ; الصدور: تطبیق خط، امضا، مهر یا اثر انگشت سند مورد تعرض با اسناد مسلم &ZWNJ; الصدور رایج &ZWNJ; ترین راهی است که رایه می‌&ZWNJ; شود بنابراین طرفی که باید اصالت سند یا جعلیت را اثبات کند، سند مسلم &ZWNJ; الصدوری به دادگاه رایه می‌&ZWNJ; دهد تا حسب مورد خط، امضا، مهر یا اثر انگشت سند با آن مطابقت داده شود. اساس تطبیق ممکن است سند عادی یا رسمی باشد. آنچه مهم است مسلم &ZWNJ; الصدور بودن انتساب آن به کسی است که سند در برابر او مورد استفاده واقع شده است. اما چنانچه نسبت به اسناد عادی قبلاً انکار، تردید یا ادعای جعل شده باشد، دیگر خط، مهر، امضا و اثر انگشت آن اسناد نمی‌&ZWNJ; تواند اساس تطبیق قرار گیرد؛ هرچند که حکم به صحت آن نیز داده شده باشد.

تفاوت &ZWNJ; های ادعای جعل با انکار و تردید

از لحاظ نوع سند: ادعای جعل می‌&ZWNJ; تواند نسبت به اسناد رسمی یا غیررسمی به عمل آید اما انکار و تردید نسبت به اسناد رسمی و اسنادی که اعتبار رسمی دارند، مسموع نخواهد بود.

تکلیف اثباتی: اثبات انکار و تردید از سوی اظهارکننده لازم نیست و وی را با تکلیف مواجه نمی‌&ZWNJ; سازد اما جعل ادعا است و باید با دلیل اثبات شود.

ابلاغ ادعای جعل و تکلیف تسلیم اصل سند در موعد قانونی: در صورت انکار و تردید، اصل سند باید در &ZWNJ; &ZWNJ; همان جلسه به دادگاه رایه شود و در غیر این صورت از عداد دلایل خارج خواهد شد اما در ادعای جعل چنین نیست. مطابق ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی، ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه باید به طرف مقابل ابلاغ شود که چنانچه به استفاده از سند باقی باشد، باید ظرف ۱۰ روز اصل سند موضوع ادعای جعل را به دادگاه تسلیم کند. چنانچه صاحب سند در موعد مقرر از تسلیم آن به دفتر دادگاه خودداری کند، سند از عداد دلایل خارج خواهد شد.

استمهال خواهان و خوانده در رایه اصول اسناد عادی و رسمی

استمهال خواهان نسبت به ارایه سند عادی: چنانچه خواهان اصل سند را در جلسه دادرسی حاضر نکند و پیرو ایراد خوانده استمهال کند، استمهال وی قابل پذیرش نخواهد بود؛ زیرا استمهال فقط برای خوانده پیش‌بینی شده است و خواهان نیز می‌تواند دوباره اقامه دعوی کند.

استمهال خوانده نسبت به ارایه سند عادی: اگر خوانده برای پاسخگویی به دعوی خواهان، به سندی عادی استناد کند که اصل آن را حاضر نکرده باشد و خواهان نسبت به آن ایراد کند قانون آیین دادرسی مدنی در ذیل ماده ۹۶ در صورت کمی وقت یا بنا به دلایل دیگر این حق را به خوانده داده است که تقاضای استمهال کند. بنابراین دادگاه ضمن قبول استمهال با تعیین وقت خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می‌کند.

استمهال نسبت به اسناد رسمی: اما استمهال نسبت به اسناد رسمی متفاوت است. تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص حق استمهال برای ارایه سند رسمی بیان می‌کند؛ دارد که در مواردی که وکیل یا نماینده قانونی دیگری در دادرسی مداخله داشته باشد چنانچه دسترسی به اصل سند نداشته باشد حق استمهال دارد و دادگاه مهلت مناسبی برای ارایه اصل سند به او می‌دهد.